

## اثربخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد The effectiveness of schema therapy on the tolerance of ambiguity and difficulty in regulating the emotions of drug addicts

Kobra Eghdampanah Foumani

PhD Student, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

Leila Moghtader \*

Assistant Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

[moghtaderleila@yahoo.com](mailto:moghtaderleila@yahoo.com)

Samereh Asadi mojreh

Assistant Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

Bahman Akbari

Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

کبرا اقدام پناه فومنی

دانشجویی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

لیلا مقندر (نویسنده مسئول)

استادیار گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

سامره اسدی مجره

استادیار گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

بهمن اکبری

استاد گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

### Abstract

The purpose of the present study was to investigate the effectiveness of schema therapy on the tolerance of ambiguity and difficulty in regulating the emotions of drug addicts. The research method was semi-experimental with a pre-test-post-test design with a control group and a two-month follow-up period. The statistical population of the study included substance-dependent patients who were referred to addiction treatment centers in Tehran in 1402. Among these, 34 people were selected by the available sampling method and were randomly divided into experimental (17 people) and control (17 people) groups. Research tools included the Ambiguity Tolerance Questionnaire (ATQ) by McLean (2009) and Difficulty in Emotion Regulation (DERS) by Gratz and Roemer (2004). Schema therapy was performed on the experimental group in 10 sessions of 90 minutes with the frequency of one session per week. Analysis of variance with repeated measurements was used to analyze the data. The results showed that there was a significant difference between the two groups and schema therapy increased the tolerance of ambiguity ( $p < 0.05$ ) and reduced the difficulty in emotion regulation ( $p < 0.05$ ) in substance-dependent people. It also had a lasting effect in the follow-up period ( $p > 0.05$ ). According to the obtained results, addiction specialists can use schema therapy to emphasize increasing the tolerance of ambiguity and reducing the difficulty in regulating the emotions of drug addicts.

**Keywords:** Ambiguity Tolerance, Difficulty in Emotion Regulation, Schema Therapy, Drug Addicts.

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل بیماران وابسته به مواد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. از این بین ۳۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۷ نفر) و کنترل (۱۷ نفر) قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه تحمل ابهام (ATQ) مکلین (۲۰۰۹) و دشواری در تنظیم هیجان (DERS) گراتز و رو默 (۲۰۰۴) بود. طرحواره درمانی در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای با فراوانی یک جلسه در هفته بر روی گروه آزمایش اجرا شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود داشت و طرحواره درمانی باعث افزایش تحمل ابهام ( $p < 0.05$ ) و کاهش دشواری در تنظیم هیجان ( $p < 0.05$ ) در افراد وابسته به مواد شد. همچنین دارای ماندگاری اثر در دوره پیگیری بود ( $p < 0.05$ ). با توجه به نتایج به دست آمده، متخصصین اعتیاد می‌توانند با استفاده از طرحواره درمانی بر افزایش تحمل ابهام و کاهش دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد تأکید کنند.

**واژه‌های کلیدی:** تحمل ابهام، دشواری در تنظیم هیجان، طرحواره درمانی، وابستگی به مواد.

## مقدمه

وابستگی به مواد<sup>۱</sup> از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود و یکی از مشکلات جدی جوامع امروز است (گریفین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). وابستگی به مواد در پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی به عنوان اختلالات اعتیادی نام بده شده است و شامل علائم فیزیولوژیکی، رفتاری و شناختی همراه با الگویی از تکرار مصرف است (انجمن روان‌پژوهشی امریکا، ۲۰۲۲). اخیراً مطالعات، اعتیاد را یک مدل زیستی، روانی و اجتماعی و یک مشکل چندوجهی دانسته که به متخصصین حوزه‌های مختلف برای پیشگیری و درمان نیاز دارد (کریستینا و رونتربایی، ۲۰۲۳). پژوهش‌ها تاکید بر عوامل خطرساز، اهداف و مداخلات درمانی مؤثر جهت درک بهتر این اختلال دارند (چن<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

مرور مطالعات نشان می‌دهد یکی از سازه‌های مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های روانی و بروز یا تشدید سوءمصرف مواد تحمل ابهام<sup>۶</sup> می‌باشد (ابراهیم‌زاده و سهرابی، ۱۳۹۹؛ آفتاب و شمس، ۱۴۰۰). به طوری که عدم تحمل ابهام به عنوان عاملی مهم در پیش‌بینی تعامل افراد به مصرف مواد عمل می‌کند و توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری رفتارهای اعتیادی داشته باشد (هلنیاک<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). این شاخص تحت عنوان گرایش شخص به ابراز واکنش منفی به شرایط و واقعیع مبهم و غیرقابل پیش‌بینی، جدا از احتمال بروز رویداد یا پیامدهای مربوط به آن تعریف شده است و از آنجایی که عدم تحمل ابهام در گرایش افراد به مصرف مواد به عنوان رخدادی انگیزشی عمل می‌کند، افزایش سطح تحمل ابهام در افراد جزء شاخص‌های اصلی پیشگیری تلقی می‌گردد (ابراهیم‌زاده و سهرابی، ۱۴۰۰) و به نظر می‌رسد افرادی که تحمل ابهام پایینی دارند تحت اضطراب شدید بیشتر احتمال دارد که به رفتارهای پرخطر و مصرف مواد روی بیاورند و همچنین پس از اقدام به ترک رفتار پرخطر نیز به منظور اجتناب از ناراحتی، احتمال بازگشت به مصرف در آن‌ها بیشتر است (هوگارت،<sup>۸</sup> ۲۰۲۰).

از طرفی، ببابی نادینلویی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که در افراد وابسته به مواد تحمل ابهام با راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار و با راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار دارد و دشواری در تنظیم هیجان<sup>۹</sup> از جمله سازه‌های روان‌شناختی می‌باشد که در آسیب‌پذیری روانی با گرایش به مصرف مواد نقش بارزی دارد (پائولوس<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). کلارک<sup>۱۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) نیز در همین رابطه نشان دادند که گرایش به مصرف مواد ناشی از دشواری در تنظیم هیجان و ناتوانی در مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آن‌ها به ویژه در شروع مصرف است. افراد با تحمل ابهام پایین در تلاش برای مقابله با هیجانات منفی درگیر بی‌نظمی رفتاری می‌شوند و با گرایش به مصرف مواد و دیگر رفتارهای غیربهداشتی در صدد تسکین نارسانی‌های هیجانی خود بر می‌آیند (اسماعیلی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۳). براین اساس دشواری در تنظیم هیجان با شاخص‌های وجود بی‌ثباتی هیجانی، واکنش‌پذیری عاطفی، تحریک‌پذیری و فقدان خودتنظیمی تعریف می‌شود (چیانی و همکاران، ۱۴۰۰). در تعریفی دیگر گراتز و رو默<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۴) دشواری در تنظیم هیجان را به عنوان مشکل افراد در آگاهی، فهم و پذیرش هیجان‌ها، کنترل رفتارهای تکانشی، رفتار مطابق با اهداف موردنظر به هنگام تجربه هیجان‌های منفی و استفاده انتعطاف‌پذیر از راهبردهای تنظیم هیجان برای مواجهه با الزامات موقعیت تعریف کردند. توانایی تنظیم هیجان، منجر به حفظ خلق و راهکارهای بهبود آن می‌شود. افرادی که توانایی تنظیم هیجانات خود را ندارند، به احتمال بیشتری تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرند (وردیجو-گارسیا<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین می‌توان گفت عدم توانایی مدیریت هیجان‌ها و دشواری در تنظیم هیجان در گرایش افراد به سمت مصرف مواد نقش داشته باشد (قبری‌زرندی و همکاران، ۱۳۹۹).

1. Drug addicts.

2. Griffin

3. American psychiatric association

4. Christiana &amp; Runturambi

5. Chen

6. Tolerance of ambiguity

7. Heleniak

8. Hogarth

9. Difficulty in regulating emotion

10. Paulus

11. Clarke

12. Gratz &amp; Roemer

13 Verdejo- Garcia

امروزه با وجود شیوع نسبتاً بالای مصرف مواد، درمانگران نیازمند ارزیابی تأثیرات روش‌های درمانی جدید هستند. از دیگر سو با توجه به اینکه بسیاری از درمان‌های موجود پرهزینه و زمان بر هستند و نتایج متناقضی را از نظر میزان اثربخشی داشته‌اند، نیاز به درمان‌های کم هزینه‌تر و کارآمدتر احساس می‌شود (مرادیان و همکاران، ۱۴۰۰). از طرفی، در زمینه آسیب‌های مختلف روان‌شناختی یکی از پرکاربردترین رویکردهایی که توسط گروه درمانگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، طرحواره درمانی<sup>۱</sup> است (محققی و خرقانی، ۱۴۰۰). طرحواره درمانی، درمان یکپارچه و جدیدی است که عمدتاً بر اساس گسترش مفاهیم رویکرد شناختی-رفتاری ساخته شده است و بر اساس رویکردهای شناختی، دلستگی، روابط موضوعی، گشتالت و روانکاوی را در قالب یک رویکرد درمانی ترکیب کرده است. بر اساس نظریه طرحواره‌ای یانگ، طرحواره درمانی به افاده کمک می‌کند که مهم‌ترین طرحواره‌های ناسازگار اولیه خود را تشخیص دهند و وقتی این طرحواره‌های ناسازگار فعال می‌شوند در طول زندگی روزمره خود به شیوه‌ای سازگارانه و انطباقی به آن‌ها پاسخ بدهند (ون دیجک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). یانگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶) بر این باورند که طرحواره‌ها به دلیل ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی دلستگی این‌ها به دیگران مانند نیاز به امنیت، خودانگیختگی و تفریح و محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری در دوران کودکی به وجود آمده‌اند و معنا و ساختاری که فرد به دنیا می‌دهد را ایجاد می‌کنند. هدف اولیه این رویکرد ایجاد آگاهی روان‌شناختی و افزایش کنترل آگاهانه بر طرحواره و هدف نهایی آن بهبود طرحواره‌ها و سبک‌های مقابله است (رهبر کرباسدهی و همکاران، ۱۴۰۰) و تأکید دارد که ممکن است افراد در شروع مشکلات خود نقش چندانی نداشته باشند، اما در تداوم مشکلات خود حتماً نقش دارند. به همین دلیل طرحواره درمانی سعی دارد برای درد و رنجی که افراد در اثر زندگی گذشته متحمل شده‌اند، همدلی در پیش گیرد؛ اما برای تغییر مشکلات فعلی منفعل نمی‌باشد و از طریق کاهش آسیب‌پذیری سعی دارد دامنه اثرگذاری طرحواره‌های ناسازگار را کاهش دهد (ون ورسویجک<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). این رویکرد وابستگی به مواد‌مخدر را به عنوان یک اختلال اولیه شناسایی می‌کند و فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اجتناب ناسازگار را عوامل مهم وابستگی به مواد در میان افراد می‌داند و فرض می‌کند که استفاده از مواد‌مخدر می‌تواند رفتاری ناشی از ابراز مستقیم فعالیت طرحواره‌های استحقاق و خویشتن‌داری ناکافی یا فعالیت طرحواره‌های ایشاره، پذیرش جویی و اطاعت باشد (بهرام‌آبادیان و همکاران، ۱۴۰۰). برآیندهای پژوهشی حاکی از تأثیر مثبت طرحواره درمانی بر بی‌نظمی هیجانی در مبتلایان به اختلالات شخصیت و سوءصرف‌کنندگان مواد (دادomo<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ حاجیپور و همکاران، ۱۳۹۹)، رضایت از زندگی و بهبود عواطف مثبت و منفی مردان مصرف‌کننده مواد (مرادیان و همکاران، ۱۴۰۰) و کاهش طرحواره‌های ناکارآمد و علائم خلقی و اضطرابی مصرف‌کنندگان مواد بوده است (محققی و خرقانی، ۱۴۰۰).

اعتیاد به مواد یک بیماری مزمن است که با اختلالات در عملکرد فردی، فیزیولوژیکی و اجتماعی همراه است. اعتیاد می‌تواند منجر به مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی، مشکلات در روابط اجتماعی و کیفیت زندگی پایین در افراد شود. آسیب‌های اعتیاد شامل اختلالات روانی و جسمانی، احساس عجز و نالمیدی، تنها‌بی و پیشمانی در سطح فردی و مشکلات خانوادگی و اجتماعی در سطح خانوادگی و اجتماعی می‌باشد. برای کاهش این مشکلات، ارائه مداخلات روانی اهمیت دارد و برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه برای کاهش گرایشات اعتیادی ضروری است. همچنین بررسی نقش هیجانات و بهبود در تحمل ابهام در مصرف مواد و ارائه درمان‌های روان‌شناختی می‌تواند به درک بهتر از اعتیاد کمک کند و برای جوامع مختلف مفید باشد. بنابراین این مطالعه در جهت تعیین اثربخشی درمان طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد انجام شده است.

## روش

روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه کنترل با دوره پیگیری ۲ ماهه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله مصرف‌کننده مواد مراکز ترک اعتیاد شهر تهران در سال ۱۴۰۲ به تعداد ۲۰۹ نفر بود. از این جامعه به روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۳۴ نفر که نمره پایین‌تر در تحمل ابهام و بالاتر در دشواری در تنظیم هیجان گرفتند انتخاب و این

<sup>1</sup> Schema therapy

<sup>2</sup> Van Dijik

<sup>3</sup> Yang

<sup>4</sup> Van Vreeswijk

<sup>5</sup> Dadomo

اثریخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد واسته به مواد  
The effectiveness of schema therapy on the tolerance of ambiguity and difficulty in regulating the emotions of drug addicts

تعداد به طور تصادفی ساده در دو گروه ۱۷ نفره طرحواره درمانی و کنترل قرار گرفتند. از آنجایی که در پژوهش‌های آزمایشی حجم هر گروه ۱۵ نفر پیشنهاد شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸)، در این پژوهش با توجه به احتمال ریزش افراد در گروه‌ها، حجم هر گروه ۱۷ نفر اختبار شد. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از: سن بین ۲۵ تا ۴۵ سال، حداقل سواد خواندن و نوشتن، کسب نمره بالاتر از میانگین (۹۰) در دشواری در تنظیم هیجان، نمره پایین‌تر در تحمل ابهام (با خط برش ۳۹) و حداقل ۱ سال از وابستگی فرد به مواد مخدر گذشته باشد. ملاک خروج از پژوهش، مصرف داروهای روان‌پردازی و روان‌گردان در زمان اجرای پژوهش، عدم انجام تکالیف محوله و بی‌میلی به ادامه درمان، عدم تکمیل صحیح ابزار مطالعه غیبت بیش از ۲ جلسه در جلسات درمانی بود. در این پژوهش نکات اخلاقی از جمله محرومانه بودن اطلاعات، رضایت آگاهانه، حق خروج از پژوهش بدون تبعات مالی و درمانی و حق آگاهی از نتایج رعایت شد. در نهایت داده‌ها به روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۶ تحلیل شد.

### ابزار سنجش

**پرسشنامه تحمل ابهام<sup>۱</sup> (ATQ):** این پرسشنامه توسط مکلین (۲۰۰۹) طراحی شد و در برگیرنده ۱۳ سوال است که نمره کل پرسشنامه با توجه به جمع تمامی نمرات سوالات بدست می‌آید. طریقه پاسخگویی به ۱۳ سوال پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که به گزینه کاملاً مخالف ۱ نمره، مخالف ۲ نمره، نظری ندارم ۳ نمره، موافق ۴ نمره و کاملاً موافق ۵ نمره تعلق می‌گیرد. برخی از سوالات از قبیل سوال ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۹ و ۱۲ به شیوه معکوس نمره‌گذاری می‌شود. یعنی به گزینه کاملاً مخالف ۵ نمره و به گزینه کاملاً موافق ۱ نمره تعلق می‌گیرد. حداقل نمره و حداکثر نمره در این پرسشنامه به ترتیب ۱۳ و ۶۵ بوده و خط برش آن نیز ۳۹ است. مکلین پایایی پرسشنامه تحمل ابهام را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و همبستگی آن را با پرسشنامه عدم تحمل ابهام بدفتر برابر با ۰/۹۰ و پرسشنامه تحمل ابهام مک دونالد برابر با ۰/۴۱ و روایی آن را ۰/۵۹ گزارش کرد (مکلین، ۲۰۰۹). در داخل کشور فیضی و همکاران (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و روایی سازه آن را ۰/۴۸ گزارش کردند. در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی کل ابزار ۰/۸۲ بدست آمد.

**مقیاس دشواری در تنظیم هیجان<sup>۲</sup> (DERS):** این مقیاس توسط گراتز و رومر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) ساخته شده و برای ارزیابی دشواری موجود در تنظیم هیجانی جامع‌تر از ابزارهای موجود است که در برگیرنده ۳۶ سؤال و ۶ زیرمقیاس عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی (با سوالات ۱۱، ۱۲، ۲۱، ۲۵، ۲۳، ۲۱، ۲۹)، دشواری در انجام رفتار هدفمند (۱۳، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۲۶، ۲۰)، دشواری در کنترل تکانه (۳، ۱۹، ۱۴، ۲۴)، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی (۱۵، ۱۶، ۲۲، ۳۱، ۳۰، ۲۸)، فقدان آگاهی هیجانی (۲، ۶، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۷، ۳۴)، عدم وضوح هیجانی (۱، ۴، ۵، ۷، ۹) است. طریقه پاسخ‌گویی به سوالات این ابزار به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از تقریباً هرگز= ۱ نمره تا تقریباً همیشه= ۵ نمره می‌باشد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده دشواری بیشتر در تنظیم هیجان است. حداقل نمره ۳۶ و حداکثر نمره ۱۸۰ می‌باشد. برخی از سوالات از قبیل سوال ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۲، ۲۰، ۱۰، ۸ و ۳۴ دارای نمره‌گذاری معکوس می‌باشند. نتایج مربوط به پایایی نشان می‌دهد که این پرسشنامه دارای همسانی درونی مطلوب برابر با ۰/۱۶ تا ۰/۶۹ (گراتز و رومر، ۲۰۰۴). هنچارایی پرسشنامه در داخل ایران بر روی نمونه‌های روایی سازه و پیش‌بین مطلوب ابزار است (۰/۷۰ تا ۰/۱۶). هنچارایی پرسشنامه در بالینی و غیربالینی برای زیرمقیاس‌ها با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۹۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است و روایی همگرا و تشخیصی آن در دامنه ۰/۴۴ تا ۰/۵۳ مورد تأیید قرار گرفته است (بشارت، ۱۳۹۷). در دیگر پژوهش داخل کشور پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۷۰، ۰/۷۰ و ۰/۷۰ بدست آمده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار است (میرزائی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی کل ابزار ۰/۸۰ و زیرمقیاس‌ها در دامنه‌های بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۱ بدست آمد.

**جلسات مداخله درمان:** درمان با رویکرد طرحواره درمانی با پروتکل (يانگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۳) طی ۱۰ جلسه (هر هفته یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) به صورت فردی و طی روزهای مشخص بر روی شرکت کنندگان اجرا شد و سپس ابزارهای پژوهشی، پرسشنامه تحمل ابهام مک‌لین<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) و پرسشنامه دشواری در تنظیم هیجان گراتز و رومر (۲۰۰۳) مجدد به شرکت کنندگان هر دو گروه داده شد تا مرحله

1 Ambiguity Tolerance Questionnaire(ATQ)

2 Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

3 Gratz & Roemer

4. Young

5. McLain

پس آزمون نیز اجرا گردد. پس از گذشت دو ماه مجدداً ابزار پژوهش به منظور اجرای مرحله پیگیری به شرکت کنندگان دو گروه ارائه شد. خلاصه محتوای این جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

### جدول ۱: شرح مختصر جلسات درمان رویکرد طرحواره درمانی (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)

جلسات	اهداف	محتوای جلسات و تکلیف
اول	آشنایی و معارفه	تعریف و توضیح طرحواره درمانی، معرفی طرحواره‌های ناسازگار و حوزه‌های مربوط به هر کدام، بیان و توضیح ریشه‌های تحولی و طرحواره، توضیح و آموزش پیرامون عملکرد طرحواره‌ها
دوم	آشنایی با مفاهیم طرحواره	توضیح و آموزش سبک‌های مقابله‌ای، توضیح و آموزش انواع ذهنیت‌های طرحواره‌ای، ایجاد آمادگی در فرد جهت سنجش و تغییر طرحواره‌ها
سوم	آموزش و سنجش طرحواره‌ای	سنجهش طرحواره‌های درمانجو و آشنا کردن آنها با طرحواره‌هایشان، انجام و آموزش تکنیک تصویرسازی ذهنی مربوط به مرحله سنجش در جلسه، بحث و گفتگو پیرامون طرحواره‌ها و تأثیر هر کدام بر زندگی افراد
چهارم	فرآیند تغییر طرحواره	ایجاد انگیزه جهت تغییر طرحواره‌ها، آمادگی جهت تغییر طرحواره‌ها، معرفی راهبردهای شناختی هیجانی و الگوشکنی رفتاری، هم پیمان شدن با جهت جنگ با طرحواره‌ها در سه جبهه شناختی، هیجانی، الگوشکنی رفتاری
پنجم	ارزیابی مزايا و معایب طرحواره	انجام آموزن اعتبار طرحواره، تعریف جدید از شواهد تأیید کننده طرحواره، ارزیابی مزايا و معایب طرحواره‌ها، ارزیابی مزايا و معایب سبک‌های مقابله‌ای
ششم	آموزش کارت آموزشی	آموزش و تمرین برقراری گفتگو بین جنبه سالم و جنبه طرحواره، آموزش تدوین و ساخت کارت‌های آموزشی و نحوه استفاده از این کارت‌ها به درمانجو، آموزش نحوه ثبت طرحواره
هفتم	آموزش راهبرد تجربی	معرفی مجدد راهبردهای تجربی، ارائه منطق استفاده از راهبردهای تجربی، آموزش روش تصویرسازی ذهنی و اجرای آن در جلسه، آموزش تکنیک انجام گفتگوی خیالی و اجرای آن در جلسه نوشتن نامه به والدین و توضیح منطقی استفاده از این تکنیک
هشتم	و آموزش سبک مقابله‌ای	توضیح مجدد و آموزش انواع سبک‌های مقابله‌ای و تأثیر آنها در تداوم طرحواره‌ها، تعیین رفتارهای خاص درمانجو به عنوان آماج احتمالی تغییر اولویت‌بندی رفتارها در جهت الگوشکنی رفتاری
نهم	آموزش رفتار سالم	ایجاد انگیزه جهت تغییر رفتارهای تداوم بخش طرحواره و بررسی تأثیر آن در زندگی افراد، آموزش تمرین رفتارهای سالم از طریق تکنیک تصویرسازی ذهنی، بررسی و آموزش غلبه بر موانع تغییر رفتار، آموزش روش استفاده از کارت‌های آموزشی جهت الگوشکنی رفتاری، انجام تمرینات مربوط به مرحله الگوشکنی رفتاری
دهم	ارزیابی و رفع موانع درمان جو	بررسی تمرینات انجام شده، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، بحث و گفتگو پیرامون اثرات تغییر طرحواره‌ها، پاسخ به سوالات

### یافته‌ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی بیانگر آن بود که افراد شرکت کننده در پژوهش همگی مرد بودند و دارای دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال بودند که در این بین میانگین و انحراف معیار سن گروه آزمایش و گروه کنترل  $35 \pm 10$  سال بود. ۶ نفر (۳۶ درصد) از گروه آزمایش دارای تحصیلات دانشگاهی و ۱۱ نفر (۶۴ درصد) دارای تحصیلات غیردانشگاهی بودند گروه کنترل نیز به همین صورت بود. ۱۵ نفر از گروه آزمایش (۸۸ درصد) دارای شغل آزاد و ۲ نفر (۱۲ درصد) دارای شغل دویتی بودند، در گروه کنترل نیز ۱۳ نفر (۷۶ درصد) دارای شغل آزاد و ۴ نفر (۲۴ درصد) دارای شغل دولتی بودند. در رابطه با متغیر سو مصرف مواد، در گروه آزمایش ۱۳ نفر (۷۶ درصد)

اثریخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد

The effectiveness of schema therapy on the tolerance of ambiguity and difficulty in regulating the emotions of drug addicts

صرف ۱ تا ۳ سال را داشتند و ۴ نفر (۲۴ درصد) مصرف بالای ۴ سال در گروه کنترل این مقادیر به ترتیب ۱۰ نفر (۵۸ درصد) و ۷ نفر (۴۲ درصد) بود. میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته به تفکیک گروه و مراحل مختلف سنجش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آمار توصیفی متغیرهای وابسته در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

Ks value	پیگیری انحراف معیار میانگین	Ks value	پس آزمون انحراف معیار میانگین	Ks P value	پیش آزمون انحراف معیار میانگین	متغیرها			
۰/۰۲۱	۴/۴۷	۳۷/۵۲	۰/۳۱۸	۶/۲۸	۳۵/۷۶	۰/۳۰۶	۶/۷۳	۳۱/۰۰	آزمایش
۰/۰۲۷	۴/۳۳	۲۷/۵۸	۰/۳۲۰	۴۵/۵۵	۲۸/۸۸	۰/۳۱۴	۵/۷۳	۳۰/۰۰	گواه
۰/۸۹۷	۱۹/۶۶	۸۳/۳۴	۰/۹۲۹	۲۰/۸۱	۹۲/۹۱	۰/۹۸۵	۳۱/۲۰	۱۲۲/۸۶	آزمایش
۰/۸۹۱	۲۷/۴۶	۱۲۹/۴۵	۰/۹۴۰	۲۹/۴۵	۱۲۷/۲۱	۰/۹۸۸	۳۲/۴۲	۱۲۱/۶۸	گواه
									هیجان

جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین نمرات متغیر وابسته در شرکت کنندگان گروه مداخله (طرحواره درمانی) از مرحله پیش آزمون به مراحل پس آزمون و پیگیری بهبود داشته است، اما در نمرات این متغیر در افراد گروه کنترل در مراحل مختلف سنجش (پیش آزمون نسبت به پس آزمون و پیگیری) تغییر محسوسی مشاهده نشد. قبل از اجرای تحلیل، به بررسی مفروضه‌های تحلیل می‌پردازیم. در این تحقیق پیش از انجام تحلیل واریانس به منظور بررسی پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد، نتایج آزمون شاپیرو-ویلک نشان داد که در تمامی متغیرهای وابسته سطح معناداری بزرگتر از  $0.05 > P$  است. لذا توزیع نمرات در جامعه نرمال است. همچنین به منظور بررسی پیش‌فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. و برای بررسی پیش‌فرض همگونی ماتریس واریانس-کوواریانس نیز از آزمون ام باکس استفاده شد؛ که نتیجه آزمون سطح معناداری بدست آمده بزرگتر از  $0.05 < P$  می‌باشد بنابراین داده‌های تحقیق فرض تساوی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس را زیر سوال نبرده است و ماتریس‌های واریانس-کوواریانس دارای همگنی می‌باشد. آزمون کرویت موجولی مقدار سطح معناداری برای نمرات هر یک از متغیرهای وابسته برابر  $0.001 < P$  است. لذا فرض کرویت رد می‌شود؛ در نتیجه از فرض بکسان بودن واریانس‌ها و به‌گونه‌ای دقیق تر شرط همگنی ماتریس کوواریانس اطمینان حاصل نشد در نتیجه از آزمون جایگزین یعنی از آزمون محافظه‌کارانه گرین هاوس-گیرز برای بررسی اثرات درون آزمودنی استفاده شده. جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل چند متغیری در ارزیابی اثر متغیر مستقل به متغیر وابسته پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل چندمتغیری در ارزیابی اثر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	لامبدای ویلکز	آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر	تون آماری
تحمل ابهام	۰/۳۹۷	۲۳/۵۴۳	۰/۰۰۱	۰/۶۰۳	۱/۰۰۰
دشواری تنظیم هیجان	۰/۱۱۲	۱۲۳/۲۲۸	۰/۰۰۱	۰/۸۸۸	۱/۰۰۰

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود نتایج تحلیل چند متغیری در ارزیابی اثر طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان نشان می‌دهد. اثر اجرای متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته معنی دار بود ( $P=0.000$ ). در جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در تبیین اثر اجرای متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در تبیین اثر طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری تنظیم هیجان

متغیر وابسته	منابع تغییر	مجموع مجذورات خطأ	مجموع مجذورات	آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر	تون آماری
گروه		۹۰۰/۰۸۸	۹۰۰/۰۸۸	۱۱/۷۰۶	۰/۰۰۲	۰/۲۶۸	۰/۹۱۳
زمان		۴۷/۸۲۳	۸۶/۳۵۳	۷/۳۷۷	۰/۰۰۲	۰/۱۸۷	۰/۹۰۹
تحمل ابهام		۱۹۴/۴۲۰	۳۵۱/۰۵۹	۲۹/۹۹۰	۰/۰۰۱	۰/۴۸۴	۱/۰۰۰
زمان*گروه							

۱/۰۰۰	۰/۶۱۶	۰/۰۰۱	۵۱/۴۲۶	۱۷۷۸۸/۳۲۴	۱۷۷۸۸/۳۲۴	خطا
۱/۰۰۰	۰/۷۳۹	۰/۰۰۱	۹۰/۵۸۲	۳۴۹۹/۷۷۸	۴۷۰۰/۴۹۰	گروه زمان
۱/۰۰۰	۰/۸۶۱	۰/۰۰۱	۱۹۸/۴۵۶	۷۶۶۷۸/۶۵۷	۱۰۲۹۸/۲۹۴	دشواری تنظیم هیجان زمان*گروه
				۳۴۵/۹۰۲	۱۱۰۶۸/۸۶۳	خطا

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، میزان اثر تعامل زمان و گروه برای متغیرهای تحمل ابهام ( $F=۱۹۸/۴۵۶$ ,  $\eta^2=۰/۸۶۱$ ) و دشواری تنظیم هیجان ( $F=۲۹/۹۹۰$ ,  $\eta^2=۰/۴۸۴$ ) است که در سطح ۱/۰۰۰ معنی دار است. این یافته بیانگر آن است که شرکت در جلسات طرحواره درمانی بر بهبود نمرات تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان تاثیر معناداری داشته است. جدول ۵ نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی نمرات تحمل ابهام و دشواری تنظیم هیجان در سه مرحله را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون تعقیبی برای بررسی ماندگاری نتایج بر تحمل ابهام و دشواری تنظیم هیجان.

متغیر وابسته	مراحل	میانگین تعدیل شده	تفاوت مراحل	میانگین معناداری	خطای معناداری	تفاوت	سطح
تحمل ابهام	پیش آزمون	۳۰/۵۰۰	-	پیش آزمون-پس آزمون	۰/۰۱۹	-۱/۸۲۴*	۰/۶۲۳
پس آزمون	۳۲/۳۲۴	-	-۲/۰۵۹*	پیش آزمون-پیگیری	۰/۰۰۹	-۲/۰۵۹*	۰/۶۴۲
پیگیری	۳۲/۵۵۹	-	-۰/۲۳۵	پس آزمون-پیگیری	۱/۰۰۰	-۰/۴۸۲	۰/۴۸۲
پیش آزمون	۱۲۲/۲۹۴	-	۱۲/۲۰۶*	پیش آزمون-پس آزمون	۰/۰۰۱	۱/۱۲۸	۱/۱۲۸
پس آزمون	۱۱۰/۰۸۸	-	۱۵/۸۸۲*	پیش آزمون-پیگیری	۰/۰۰۱	۱/۵۹۷	۱/۵۹۷
دشواری تنظیم هیجان	پیگیری	۱۰۶/۴۱۲	-	پس آزمون-پیگیری	۰/۰۰۱	۳/۶۷۶*	۰/۸۶۹

جدول ۵ نشان می‌دهد تفاوت میانگین متغیر تحمل ابهام پیش آزمون با پس آزمون (اثر مداخله) ۱/۸۲۴ و تفاوت میانگین پیش آزمون با پیگیری (اثر زمان) ۲/۰۵۹ بیشتر و معنادار تر از تفاوت میانگین پس آزمون و پیگیری (اثر ثبات مداخله) ۰/۲۳۵ است و تفاوت میانگین متغیر دشواری تنظیم هیجان پیش آزمون با پس آزمون (اثر مداخله) ۱۲/۲۰۶ و تفاوت میانگین پیش آزمون با پیگیری (اثر زمان) ۱۵/۸۸۲ بیشتر و معنادار تر از تفاوت میانگین پس آزمون و پیگیری (اثر ثبات مداخله) ۰/۸۶۹ است که نشان دهنده آن است که طرحواره درمانی بر بهبود نمرات تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان پس آزمون تاثیر داشته است و تداوم این تاثیر در مرحله پیگیری را نیز در برداشته است ( $P < 0/05$ ). لذا پژوهش حاضر مبتنی بر اینکه طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد اثربخش است تایید شد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین اثربخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد بود. یافته های پژوهش نشان داد طرحواره درمانی بر بهبود تحمل ابهام در افراد وابسته به مواد موثر است. همچنین، نتایج حاکی از پایداری این اثربخشی در دوره پیگیری بود. این یافته با نتایج برخی از مطالعات پیشین مانند آفتاب و شمس، (۱۳۹۹)، عباسی و همکاران (۱۳۹۹) و رویدیگر و همکاران (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت تحمل ابهام بر چندین جنبه از سبک شناختی، باور، ارزش و سیستم‌های نگرش، مهارت‌های بین فردی و حل مسئله تاثیر می‌گذارد (فورنهام و مارکز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). از آنجاییکه طرح واره درمانی از یک طرحواره ناسازگار اولیه، حالت طرحواره، تربیت محدود و نیازهای عاطفی اصلی تشکیل شده است (وانگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰)، درمانگران

طرح واره درمانی با استفاده از راهبردهای شناختی، تجربی و رفتاری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به چالش می‌کشند و با استفاده از راهبردهای تجربی، به فرد کمک می‌کنند تا از طریق درک هیجانی، درک عقلانی بهتری پیدا کند (حسنوند و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین، با الگوشنکنی رفتاری، رفتارهای انطباقی تری را جایگزین الگوهای رفتاری ناکارآمد می‌کنند و سبک‌های مقابله ناسازگار را تغییر می‌دهند (جاکوب و آرنز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). این روش‌ها به افراد کمک می‌کنند تا طرحواره‌های مرتبط با آسیب‌پذیری را تعدیل کرده و توانایی مقابله با شرایط استرس‌زا را بیشتر کنند. همچنین، با بازسازی طرحواره‌ها و به چالش کشیدن باورهای ناکارآمد، افراد معتاد می‌توانند علاطم اضطراب و تنش را در خود کنترل کنند. در تکنیک‌های رفتاری، افراد با موقعیت‌های استرس‌زا روبرو می‌شوند و با تمرین تصویرسازی ذهنی به منظور آماده شدن برای رویارویی، موقعیت اینمی‌باشد را خشن را رها می‌کنند. همچنین، تکنیک‌های کنترل اضطراب نیز در افزایش تحمل ابهام مؤثر است (هث و استارتاپ<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). طرحواره درمانی با تمرکز بر شناخت‌های افراد، تغییراتی در تجارب موجود ایجاد می‌کند و باعث کاهش رفتارهای هیجانی ناسازگار و افزایش تحمل ابهام می‌شود. همچنین، با وارونه‌سازی و اصلاح فرایندهای شناختی و هیجانی نادرست، طرحواره درمانی تغییر خاطرات آسیب‌زا و اطلاعات ناراحت‌کننده، تغییر همزمان احساسات، افکار و هیجانات، قطع چرخه تجارب منفی درونی و تمرکز بر شناخت‌های افراد را بهبود بخشد.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد طرحواره درمانی بر بهبود نمرات دشواری تنظیم هیجان در افراد وابسته به مواد اثربخش بوده است و این اثربخشی حاکی در طول دوره پیگیری ماندگار بوده است. این یافته با نتایج برخی از مطالعات پیشین دادمو و همکاران (۲۰۱۸)، رودیگر و همکاران (۲۰۱۸)، فرشام و شمسیان (۱۴۰۰)، حاجیپور و همکاران (۱۳۹۹) و عباسی و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت تنظیم هیجانی در زندگی افراد در حوزه‌های مختلف تأثیرگذار است و مطالعات نشان می‌دهند که نقایص هیجانی ممکن است در مصرف‌کنندگان در حال ترک مواد نقش داشته باشد (استرلین<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). طرحواره درمانی با استفاده از تکنیک‌های تجربی و هیجانی می‌تواند بهبود در تنظیم هیجانی و رفتارهای مصرفی افراد منجر شود (فاسبیندر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). این شیوه درمانی افراد را به استفاده از راهبردهای مقابله‌ای بهنجار و سازگارانه تشویق می‌کند و ظرفیت روانی و مهارت حل مسئله آن‌ها را بهبود می‌بخشد. افرادی که در جلسات طرحواره درمانی شرکت می‌کنند، به دلیل ایجاد ارزش‌ها و معنا در زندگی، توانایی بیشتری در تنظیم و مدیریت هیجانات خود پیدا می‌کنند و کمتر تحت تأثیر منفی شرایط اضطراب‌آور قرار می‌گیرند.

به طور کلی، برای تبیین اثربخشی طرحواره درمانی در این پژوهش می‌توان گفت طرحواره درمانی به شناسایی و تغییر طرحواره‌های ناکارآمد کمک می‌کند که می‌تواند بهبودی در اختلالات اعتیادی ایجاد کند. این روش به درمانگر کمک می‌کند تا مشکلات شدید و مزمن را شناسایی و سازماندهی کند و روابط بین فردی افراد در دوران کودکی را ردیابی کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نمونه‌گیری غیرتصادفی، عدم کنترل نوع ماده مصرفی و استفاده از ابزار خود گزارش دهی نام بر. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ضمن استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته در کتاب پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات، تأثیر و ماندگاری مداخلات در بلندمدت (فاصله زمانی ۶ ماهه الی ۱ ساله) مورد سنجش و مطالعه قرار گیرد. نقش تعديل‌کننده جنسیت در بررسی تأثیر مداخلات بر روی نمونه‌های بزرگ‌تری از افراد در حال ترک مواد مورد بررسی قرار گیرد. استفاده از این شیوه‌های درمانی در افراد وابسته به مواد جهت کاهش آسیب‌های روانی و رفتاری خصوصاً افرادی که برای ترک اقدام نموده‌اند به درمانگران بالینی اعتیاد توصیه می‌شود.

## منابع

- ابراهیم زاده، ش؛ و سهرابی، ف. (۱۴۰۰). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد براساس متغیرهای سرخ‌شناختی و عدم تحمل ابهام در دانشجویان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*, ۱۵(۶۱)، ۳۰۲-۳۸۳.  
<http://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.61.283>
- اسماعیلی نسب، م؛ اندامی خشک، ع؛ آرمی، ه؛ و ثمرخی، امیر. (۱۳۹۳). نقش پیش‌بینی کنندگی دشواری در تنظیم هیجان و تحمل پریشانی در اعتیاد‌پذیری دانشجویان. *نشریه اعتیاد پژوهی*, ۱(۲۹)، ۶۳-۴۹.  
<http://etiadpajohi.ir/article-1-607-fa.html>

آفتاب، ر؛ و شمس، ا. (۱۳۹۹). ارتباط خودشناسی انسجامی و تاب آوری با اضطراب کرونا: نقش واسطه عدم تحمل ابهام، نگرانی و فعالیت بدنی، مطالعات روانشناسی ورزشی، ۹(۳۲)، ۲۰۶-۲۲۶. <https://doi.org/10.22089/spsyj.2020.9010.1975>

بابایی نادینلویی، ک؛ امین زاده، ز؛ و ستاری، م. (۱۳۹۷). رابطه باورهای فراشناختی، نارسایی شناختی و تحمل ابهام با تنظیم شناختی هیجان در زنان واپسیه به مواد. *فصلنامه سلامت اجتماعی*، ۵(۱۹۵)، ۹۱-۱۱۰. <https://ensani.ir/file/download/article/1546933253-9980-19-91-110.pdf>

بهرام آبادیان، ف؛ مجتبائی، م؛ و ثابت، م. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و طرحواره درمانی بر خودکارآمدی و اشتیاق به تغییر در افراد معتمد متجاهر، ماهنامه علوم روانشناسی، ۲۰(۱۰۶)، ۱۸۵۳-۱۸۶۳. <http://dx.doi.org/10.52547/JPS.20.106.1849>

چیانی، ه؛ جهانگیر، پ. آ؛ و چمنی، ن. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان مبتنی بر تعهد و پذیرش بر بهبود سلامت روان و دشواری هیجان زنان خانواده اعتیاد. <https://sid.ir/paper/968196/fa>

حجایپور، ح؛ بیاضی، م ح؛ و نجات، ح. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی طرحواره درمانی و درمان پذیرش و تعهد به شیوه گروهی بر راهبردهای تنظیم هیجان بیماران مصرف کننده مواد. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۴(۲۲)، ۳۳۹-۳۴۴. <https://doi.org/10.22067/tppccp.2020.39362>

حسنوند، م ب؛ شبان زاده، ع؛ و شهبازی، ل. (۱۴۰۲). اثربخشی طرحواره درمانی بر طرحواره های ناسازگار اولیه در مادران دارای فرزند کم توان ذهنی. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۴(۲۴)، ۳۷-۴۲. <https://doi.org/10.22034/ceciranj.2024.424376.1815>

رهبر کرباسدهی، ف؛ حسین خانزاده، ع؛ و شاکری نیا، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی طرحواره درمانی بر تنظیم شناختی هیجان و خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان مبتلا به صرع. *مجله شفای خاتم*، ۹(۳)، ۷۲-۶۴. <http://dx.doi.org/10.52547/shefa.9.3.64>

عباسی مرادی منش، ف؛ نادری، ف؛ و بختیارپور، س. (۱۳۹۹). اثربخشی طرحواره درمانی بر تنظیم هیجان و کیفیت زندگی در افراد مبتلا به آسم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳(۲)، ۴۵۴-۲۴۴۶. <https://sid.ir/paper/950698/fa>

فرشام، آ؛ و شمسیان، م. (۱۴۰۰). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر میزان اضطراب، تنظیم شناختی هیجان و راهبردهای مقابله در بیماران مبتلا به سرطان. *فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران*، ۶(۲۷)، ۶۴-۵۱. <https://civilica.com/doc/1532283>

قبری زرندی، ز؛ حسنی، ج؛ محمدخانی، ش؛ و حاتمی، م. (۱۳۹۷). بررسی دشواری در تنظیم هیجان و وسوسه مصرف براساس حساسیت سیستم های مغزی-رفتاری و سطوح احساس تنهایی. *فصلنامه علمی-پژوهشی عصب روانشناسی*، ۲۴(۲)، ۶۸-۵۱. <https://ensani.ir/file/download/article/1557741226-10112-97-14.pdf>

محققی، ح؛ و خرقانی، پ. (۱۴۰۰). تأثیر طرحواره درمانی بر اضطراب، افسردگی و طرحواره های ناکارآمد اولیه افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۰)، ۲۴۵-۲۹۹. <https://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.60.299>

مرادیان، پ؛ کاکاکبرایی، ک؛ و امیری، ح. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی طرحواره درمانی و آموزش مهارت‌های حل مسئله بر بهزیستی ذهنی مردان متأهل سوءمصرف کننده مواد. *محله خانواده درمانی کاربردی*، ۲(۳)، ۱۴۸-۱۲۹. <https://doi.org/10.22034/aftj.2021.295233.1135>

یانگ، ج؛ کلوسکو، ز؛ و ویشار، م. (۱۳۹۹). طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی). جلد اول. ترجمه حمیدپور و اندرس. تهران: نشر ارجمند. (سال نشر اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۶).

American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5™* (5th ed.). American Psychiatric Publishing, Inc. <https://doi.org/10.1176/appi.books.9780890425596>

Chen, M., Zeng, X., & Chen, Y. (2020). Self-concept and abstinence motivation in male drug addicts: Coping style as a mediator. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 48(7), 1-15. <https://doi.org/10.2224/sbp.9334>.

Christiana, C., & Runturambi, A. J. S. (2023). The Blurry Portrait of Drug Abuse and Illicit Drug Trafficking in Indonesian Prisons. *Technium Social Sciences Journal*, 43, 584-592. <https://doi.org/10.47577/tssj.v4i1.8835>

Clarke, P. B., Lewis, T. F., Myers, J. E., Henson, R. A., & Hill, B. (2020). Wellness, emotion regulation, and relapse during substance use disorder treatment. *Journal of Counseling & Development*, 98(1), 17- 28. <https://doi.org/10.1002/jcad.12296>

Dadomo, H., Panzeri, M., Caponcello, D., Carmelita, A., & Grecucci, A. (2018). Schema therapy for emotional dysregulation in personality disorders: a review. *Current opinion in psychiatry*, 31(1), 43-49. DOI: [10.1097/YCO.0000000000000380](https://doi.org/10.1097/YCO.0000000000000380)

Fassbinder, E., Schweiger, U., Martius, D., Brand-de Wilde, O., & Arntz, A. (2016). Emotion regulation in schema therapy and dialectical behavior therapy. *Frontiers in psychology*, 7, 1373. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.01373>

Furnham, A. & Marks, J. (2013). Tolerance of Ambiguity: A Review of the Recent Literature. *Psychology*, 4, 717-728. doi: [10.4236/psych.2013.49102](https://doi.org/10.4236/psych.2013.49102)

Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54. <https://doi.org/10.1023/B:JOBA.0000007455.08539.94>

Griffin, K. W., Botvin, G. J., Scheier, L. M., & Williams, C. (2023). Long-term behavioral effects of a school-based prevention program on illicit drug use among young adults. *Journal of Public Health Research*, 12(1), 22799036221146914. doi: [10.1177/22799036221146914](https://doi.org/10.1177/22799036221146914)

اثریخشی طرحواره درمانی بر تحمل ابهام و دشواری در تنظیم هیجان افراد وابسته به مواد

The effectiveness of schema therapy on the tolerance of ambiguity and difficulty in regulating the emotions of drug addicts

- Heath, G., & Startup, H. (Eds.). (2020). *Creative methods in Schema therapy: advances and innovation in clinical practice*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351171847>
- Heleniak, C., Bolden, C. R., McCabe, C. J., Lambert, H. K., Rosen, M. L., King, K. M., & McLaughlin, K. A. (2021). Distress tolerance as a mechanism linking violence exposure to problematic alcohol use in adolescence. *Research on child and adolescent psychopathology*, 2021 Sep;49(9):1211-1225. doi: [10.1007/s10802-021-00805-0](https://doi.org/10.1007/s10802-021-00805-0)
- Hogarth, L. (2020). Addiction is driven by excessive goal-directed drug choice under negative affect: translational critique of habit and compulsion theory. *Neuropsychopharmacology*, 45(5), 720-735. doi: [10.1038/s41386-020-0600-8](https://doi.org/10.1038/s41386-020-0600-8)
- Jacob, G. A., & Arntz, A. (2013). Schema therapy for personality disorders—A review. *International Journal of Cognitive Therapy*, 6(2), 171-185. <https://doi.org/10.1521/ijct.2013.6.2.171>
- McLain, D. L. (2009). Evidence of the properties of an ambiguity tolerance measure: The multiple stimulus types of ambiguity tolerance scale-II (MSTAT-II). *Psychological reports*, 105(3), 975-988. doi: [10.2466/PRO.105.3.975-988](https://doi.org/10.2466/PRO.105.3.975-988).
- Paulus, D. J., Heggeness, L. F., Raines, A. M., & Zvolensky, M. J. (2021). Difficulties regulating positive and negative emotions in relation to coping motives for alcohol use and alcohol problems among hazardous drinkers. *Addictive behaviors*, 115, 106781. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2020.106781>
- Roediger, E., Stevens, B. A., & Brockman, R. (2018). *Contextual schema therapy: An integrative approach to personality disorders, emotional dysregulation, and interpersonal functioning*. New Harbinger Publications.
- Stellern, J., Xiao, K. B., Grennell, E., Sanches, M., Gowin, J. L., & Sloan, M. E. (2023). Emotion regulation in substance use disorders: a systematic review and meta-analysis. *Addiction* (Abingdon, England), 118(1), 30-47. <https://doi.org/10.1111/add.16001>
- Van Dijk, S. D. M., Veenstra, M. S., Bouman, R., Peekel, J., Veenstra, D. H., Van Dalen, P. J., & Voshaar, R. O. (2019). Group schema-focused therapy enriched with psychomotor therapy versus treatment as usual for older adults with cluster B and/or C personality disorders: a randomized trial. *BMC psychiatry*, 19(1), 26. <https://doi.org/10.1186/s12888-018-2004-4>
- Van Vreeswijk, M., Broersen, J., & Schurink, G. (2014). *Mindfulness and schema therapy: A practical guide*. John Wiley & Sons. <https://doi.org/10.1002/9781118753125.ch2>
- Verdejo-García, A., Bechara, A., Recknor, E. C., & Pérez-García, M. (2007). Negative emotion-driven impulsivity predicts substance dependence problems. *Drug and alcohol dependence*, 91(2-3), 213-219. <https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2007.05.025>
- Wang, C. E., Halvorsen, M., Eisemann, M., & Waterloo, K. (2010). Stability of dysfunctional attitudes and early maladaptive schemas: a 9-year follow-up study of clinically depressed subjects. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 41(4), 389-396. <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2010.04.002>